حق و حساب تام هنکس در تهران

در حالی که یك ناشر حق انتشار ترجمه فارسی کتاب داستان‌های آقای بازیگر را خریده، چهارمین ترجمه از این کتاب هم به دست ناشری دیگر منتشر شد؛ هم با آن ناشر گفت‌وگو کرده‌ایم هم با وزیر فرهنگ و ارشاد

صابر محمدی

ادبیات و هنر

آذرماه سال گذشته بود که انتشارات افق اعلام کرد حق امتیاز چاپ ترجمه مجموعه داستان تام هنکس، بازیگر پرآوازه را با عنوان «داستان‌های ماشین تحریر» خریده است. هر جای دنیا اگر چنین خبری منتشر می‌شد به این معنا بود که دیگر ناشران مطلع شوند قافیه را باخته‌اند و نمی‌توانند روی کتاب مورد نظر دست بگذارند. پنج ماه دیگر خبر آمد که ترجمه کتاب روانه نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و حالا که هشت ماه از انتشار ترجمه نشر افق از این کتاب گذشته، چهارمین ترجمه از آن نیز از سوی ناشری دیگر به بازار آمده است.

بنابراین آن خبر اولیه مبنی بر این‌که حق انتشار ترجمه خریداری شده، اینجا به مثابه شتاب‌دهنده برای دیگر ناشران عمل کرده است! یعنی ناشری از خریداری حق انتشار ترجمه خبر داده تا دیگران بدانند چنین حقی را با پرداخت حقوق مادی آن انحصارا برای خود سند زده است، اما مخابره چنین خبری باعث شده تا دیگر ناشران از خلأ اجرای قانون کپی‌رایت در ایران سوءاستفاده کرده و اتفاقا به سرعت خودشان را برای انتشار ترجمه‌هایی دیگر از کتاب آماده کنند. نشان به آن نشان که نشر یوبان حتی ۲۴ روز پیش از خود افق، ترجمه فارسی‌اش از کتاب را منتشر کرد و نشر نون هم تقریبا همزمان با ترجمه انتشارات افق کتاب را به نمایشگاه کتاب تهران رساند تنها با ۹ روز فاصله! بنابراین در نمایشگاه کتاب امسال، ما با سه ترجمه فارسی از این کتاب روبه‌رو بودیم که نشان می‌داد در ماراتنی که نشر افق خبر برگزاری‌اش را داده و تنها شرکت‌کننده حرفه‌ای آن هم بوده خودش نتوانسته اول شود! می‌دانیم که کار ناشر ترجمه دوم و ترجمه سوم و ترجمه چهارم، به لحاظ قانونی تخلف محسوب نمی‌شود چون ما چنین قانونی را در کشور اجرا نمی‌کنیم، اما طبعا می‌توان انتظار داشت اخلاق، حتی فراتر از قانون و در واقع این خلأ قانونی عمل کند و راه چنین سوءاستفاده‌هایی ببندد.

ناگفته پیداست که نشر افق نیز می‌تواند مانند دیگر ناشران ایرانی، بدون پرداخت حق انتشار ترجمه کتاب‌ها، آنها را ترجمه و منتشر کند، اما خودش خواسته با وجود این خلأ قانونی، به میدان وسیع حق کپی‌رایت در جهان بپیوندد و بدون پرداخت حقوق ناشران کتاب‌های خارجی یا دست کم بدون کسب اجازه از آنها کتابی از آن سوی آب‌ها را اینجا منتشر نکند. حالا می‌ماند این‌که دیگر ناشران در این میان چه می‌توانند بکنند؟ ما فکر می‌کنیم حداقل کاری که آنها می‌توانند بکنند این است که سراغ بازترجمه کتاب‌هایی که ناشری حق انتشار ترجمه را خریداری کرده نروند؛ چیزی که زیاد است کتاب برای ترجمه است. در غیر این صورت، ناشری مثل افق می‌تواند در طولانی‌مدت از کرده خود پیشمان شود و راهی را که خودش درصدد هموارکردن آن بوده وابنهد و وقتی کسی مجبورش نکرده، حقی به مولفان و ناشران کتاب‌های خارجی پرداخت نکند. خودتان را لحظه‌ای بگذارید جای مدیر این نشر؛ در حالی که می‌توانید بدون پرداخت حق انتشار ترجمه کتاب‌ها، آنها را ترجمه و منتشر کنید، معرفت به خرج می‌دهید و این کار را می‌کنید، آن‌وقت عده‌ای در حق‌تان بی‌معرفتی می‌کنند و حقتان را صاف می‌گذارند کف دستتان.

اما این چهار ترجمه، چطور و با چه شکل و شمایل و کیفیتی منتشر شده‌اند؟

ادامه در صفحه ۱۰

در جست‌وجوی زبان فارسی

حدادعادل در نشست بنیاد سعدی از دغدغه‌های همیشگی‌اش درباره زبان فارسی گفت

گروه فرهنگ و هنر

زبان فارسی هویت ماست، این ترجیع بند حرف‌های غلامعلی حدادعادل، رئیس بنیاد سعدی در نشست خبری هشتاد و ششمین دوره دانش‌افزایی زبان فارسی است که دیروز در محل این بنیاد برگزار شد.

البته که او دغدغه همیشگی‌اش برای حفظ زبان فارسی را فقط محدود به چنین جلساتی نکرده است و از گذشته تا امروز هر جا که فرصتی مهیا دیده از نگرانی‌هایش در این باره حرف زده است. حداد عادل اما در این نشست با اعلام آمادگی برای همکاری با نهادهای مختلف و اشاره به برنامه‌های صداوسیما برای آموزش زبان فارسی گفت: در بسیاری از نقاط شهر و در خیابان‌ها بسیاری از اسم‌ها به زبان غیرفارسی آلوده شده‌اند، حتی در تولید دستمال کاغذی از نام غیرفارسی استفاده می‌کنند. در شمال تهران بویژه در رستوران‌ها باید دنبال زبان فارسی بگردیم. ما باید برای حفظ زبان که حفظ هویت ماست تلاش کنیم.

بنیاد سعدی چه می‌کند؟

در هفت سال اخیر که بنیاد سعدی فعالیت خود را آغاز کرده، از طریق رسانه‌ها در داخل و خارج از کشور معرفی شده است و توانسته آموزش زبان فارسی در جهان را به سمت دانش تخصصی آموزش زبان پیش ببرد. آن‌طور که رئیس این بنیاد می‌گوید باوجود مشکلات زیادی که به لحاظ بودجه برای ما وجود داشت، بنیاد سعدی در امر گسترش زبان فارسی بی‌توفیق نبوده است.

حداد عادل درباره فعالیت‌های بنیاد سعدی هم در این نشست توضیح داد: فعالیت‌های ما حول چند محور صورت می‌گیرد؛ یکی تالیف انواع کتاب‌هاست. در برنامه درازمدت ما تالیف ۷۰ کتاب درسی را برای آموزش زبان فارسی پیش‌بینی کرده‌ایم که تاکنون، تالیف ۱۵ کتاب به پایان رسیده است. برنامه دیگر ما آموزش زبان فارسی در فضای مجازی است که برخی از برنامه‌های آن اجرا می‌شود و برخی در دست تکمیل است. استودیوی کوچکی در بنیاد سعدی ایجاد کرده‌ایم و از این طریق، خط زبان فارسی را به فارسی‌آموزان آموزش می‌دهیم و از این طریق با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم. دیگر فعالیت بنیاد سعدی برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی است. تاکنون ۷۰ دوره تربیت مدرسِ زبان فارسی برگزار کرده‌ایم. همچنین با ۳۰ موسسه داخلی و خارجی برای آموزش زبان فارسی تفاهم‌نامه‌های همکاری امضا کرده‌ایم.

رئیس بنیاد سعدی بیان کرد: بنیاد سعدی یکی از وظایف خود را تدوین انواع استانداردها در آموزش زبان فارسی می‌داند. آموزش زبان به‌ویژه به عنوان زبان دوم حتما باید با استاندارد همراه باشد. در زبان انگلیسی زمانی که شخصی می‌گوید تافل دارم نشان از استاندارد آن زبان است. فرد باید گواهی داشته باشد که دیگران بدانند زبان را تا چه حد یاد گرفته است. این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تبیین شده و شورا با تعیین مرز فعالیت بنیاد سعدی و وزارت علوم مصوبه را تصویب کرده است.

جایگاه سعدی در بودجه امسال

حالا و پس از تقدیم بودجه از سوی رئیس جمهور به مجلس دوباره موضوع ردیف بودجه‌ها بحث داغ رسانه‌ها شده است. بحثی که اتفاقا سال گذشته درباره فرهنگستان زبان به ریاست حداد عادل خیلی هم خبرساز شد. امسال اما رئیس بنیاد سعدی خیلی زود سراغ این موضوع رفت و درباره بودجه بنیاد سعدی در ردیف بودجه سال ۹۸ اظهار کرد: بودجه ظاهرا افزایش داشته است. یعنی در ظاهر ما افزایش جزئی ۴/۷ درصد را داشته‌ایم. اما توجه داشته باشید ۸۰ درصد بودجه بنیاد سعدی صرف خرید ارز می‌شود. این افزایش ۴/۷ درصدی در مقابل افزایش ارز، نشان می‌دهد ارزش بودجه ما کم شده است.

ماجرای گرانی ارز و استادان زبان

حداد عادل همچنین درباره وضعیت کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارج از کشور گفت: در مهرماه امسال وزارت علوم به خاطر تنگناهای ارزی ۱۹ کرسی از ۳۷ کرسی خود را تعطیل کرده است و به‌صورت برق‌آسا به استادان اعزامی اعلام کرده تا از محل ماموریت خود برگردند. این باعث تاسف ما شده است و اعتراض خود را بیان کرده‌ایم. در قبال میلیاردها دلار که صرف احتیاجات کشور می‌شود یك میلیون دلار برای حفظ کرسی زبان فارسی پولی نیست که چنین شتاب‌زده تصمیم به تعطیلی این کرسی‌ها گرفته شده است. امیدوارم وزارت علوم درباره این موضوع تجدیدنظر کند و از آن پشتیبانی صورت بگیرد. البته آن‌طور که گفته شده برخی از استادان به کرسی خود بازگشته‌اند اما وضعیت کرسی‌های زبان فارسی خوب نیست و چنین اتفاق‌هایی افتاده است.

حدادعادل در پایان خاطرنشان کرد: ما با عشق و علاقه خودمان باید فعالیت کنیم و برای حفظ زبان فارسی تلاش داشته باشیم. اگر بودجه ما کم شده باید صرفه‌جویی کنیم و سعی کنیم این چراغ خاموش نشود.

یادداشت: محمدصادق علیزاده

روزنامه‌نگار

در جست‌وجوی راه میانه برای کپی‌رایت

«من از رساله حقوق امام سجاد(ع) رعایت حق کپی‌رایت را می‌فهمم.» این عبارتی است که رضا امیرخانی نویسنده در یکی از برنامه‌های تلویزیونی در دفاع از حق کپی‌رایت گفته بود. بحث کپی‌رایت و پیوستن یا نپیوستن به پروتکل جهانی آن (کنوانسیون برن) حالا چند سالی است به یکی از سوژه‌های خبری در حوزه کتاب و نشر شده است. یك طرف ماجرا معتقد است نپیوستن ایران به کنوانسیون برن موجب شده طرف‌های خارجی، ناشران ایرانی را به دلیل رعایت نکردن این موضوع جدی نگیرند و ایرانیان سهمی در بازارهای جهانی نشر تبدیل نداشته باشند. این جریان در ادامه تاکید می‌کند تنها راه موجود برای حل این مشکل، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به معاهده کپی‌رایت جهانی است و بعد از خشك شدن این امضا، یکی از مهم‌ترین موانع جهانی شدن ادبیات از راه برداشته خواهد شد.

این اما تمام ماجرا نیست. در آن طرف ماجرا هم منتقدانی وجود دارند که معتقدند پیوستن به این معاهده، تعهدات سنگین دیگری را هم برای کشور به ارمغان می‌آورد که خروجی آن برای جامعه علم و نشر ایران، نه شکوفایی بلکه محدودیت بیشتر است. منتقدان معتقدند بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فعلی محصولات فرهنگی هم وقتی تن به این پروتکل دادند که مطمئن شدند توان تولید داخلی‌شان به حدی است که قابلیت عرضه در بازارهای جهانی را داشته باشد. این منتقدان به کشورهایی چون ایالات متحده، چین و روسیه استناد می‌کنند که عموم‌شان حدود یك قرن بعد از ابداع کنوانسیون برن به آن پیوستند.

این دو سر ماجراست. در این میان در کشورهایی چون ایران که از اندك جوامعی محسوب می‌شوند که هنوز تن به امضای این معاهده نداده‌اند به یك وضعیت بلاتکلیف می‌رسد. نمونه‌ای که همکاران من در صفحه ۱۰ آن را ذکر کرده‌اند تنها یکی از مصادیق این بلاتکلیفی است. حال سوال اساسی این است که در چنین وضعیتی راه میانه چیست. به نظر می‌رسد فارغ از صحت و سقم ادعای دو طرف و این‌که وارد یك نزاع بی‌پایان دوجانبه شویم، تبدیل کردن مفاد مهم معاهده کپی‌رایت جهانی به قوانین داخلی همان راه میانه‌ای است که می‌تواند برای کشورهایی چون ما تا حدی وضعیت موجود را سر و سامان دهد و این‌که فعالان فرهنگی و نشر در کشور ملزم به رعایت قوانین حق مالکیت معنوی شوند بدون این‌که حاکمیت زیربار تعهدات بین‌المللی آن برود. در این صورت هم می‌توان به سامان کردن وضعیت نابسامان و بی حساب و کتاب فعلی امید بست و هم این‌که نظر منتقدانی تامین شود که عقیده دارند پذیرفتن تعهد بین‌المللی این پروتکل، دست و پای کشور را در بسیاری از موضوعات رشد و توسعه می‌بندد.

امروز چی داریم؟

جشنواره فجر و داستان‌های تام هنکس

عمرا فکرش را می‌کردید که تام هنکس روزی توی ایران توی حوزه کتاب هم مطرح شود و کلی سر و صدا و حاشیه بر پا کند و بشود سوژه؟! انصافا فکرش را می‌کردید؟! خب ظاهرا ما هم فکرش را نمی‌کردیم ولی این اتفاق افتاده است. قصه از این قرار است که ظاهرا داستان‌های تام هنکس در ایالات فرنگ منتشر شده و این طرف در داخل ایران یك ناشر وطنی پیدا شده و رفته حق ترجمه این آثار را از طرف خارجی خریده. قسمت بامزه ماجرا می‌دانید چیست؟! این‌که به دلیل بی‌حساب و کتابی قوانین حق مالکیت معنوی و ادبی و هنری و حومه، چند ناشر دیگر هم رفته‌اند و سرخود کتاب را از بازار تهیه و ترجمه و راهی بازار کرده‌اند. حالا این وسط تکلیف ناشری که رفته با مسؤولیت، حق ترجمه را خریده، چیست؟ این دقیقا همان چیزی است که امروز در صفحه ۱۰ راجع به آن صحبت کرده‌ایم. توی این وضعیت گپ کوچکی هم با وزیر زده‌ایم.

خب آرام آرام دارد تنور جشنواره فجر هم داغ می‌شود. راستش را بخواهید بچه‌های سینمای جام‌جم هم از الان دست گذاشته‌اند زیر چانه و غرق بحر تفکر که برای روزهای جشنواره چه کنند که مقبول حضرت‌تان افتد و روزنامه را زمین نگذارید و مدام هم برای دیگران تعریف کنید که فلان مطلب را در جام‌جم خوانده یا نه! القصه که دیروز هم قرعه‌کشی نمایش فیلم‌های جشنواره در سینمای اهالی رسانه بود فیلم جناب «علیرضا رئیسیان» هم بعد از گردانده شدن گردونه توسط خبرنگار کاردرست جام‌جم علی آقای رستگار بیرون آمد. گزارش صفحه سینمای امروز هم برمی‌گردد به دعوایی که چند سالی است میان رسانه و خبرنگاران داغ شده و این‌که سینمای اهالی رسانه جشنواره برج میلاد باشد یا سینمای پردیس ملت.

از مزایای دیدن مسابقه فوتبال اخیر بین تیم ملی کشورمان و تیم ملی یمن این بود که فهمیدیم این تیم، تیم آن دسته از یمنی‌هایی نیست که مد نظر ماست و تیم آن دسته از یمنی‌هایی است که نه تنها با بمباران و هجوم سعودی‌ها مشکلی ندارند بلکه تیم‌شان هم چند ماه چند ماه در عربستان اردو می‌زند و پروار می‌شود تا به عنوان تیم «ب» عربستان در میدان حاضر شود و بیاید و حال ما را بگیرد. حالا هم یك کارگاه تخصصی خلق آثار هنری در یکی از تاپ‌ترین دبیرستان‌های تهران برگزار شده و قرار است با موضوع یمن آثار خلاقه هنری تولید شود با این تفاوت که این دفعه این یمن، آن یمنی است که با هجوم و جنگ‌افروزی و زورگویی سعودی‌ها مشکل دارند. این گزارش را هم می‌توانید همین بغل و توی همین صفحه بخوانید.